

# جنبش دانشجویی ایران

## به یاد شانزدهم آذرماه ۱۳۳۲ روز شهادت خونین حماسه‌های ایستادگی

در صفحه ششم

### معیارهای راستین قضاوت اسلامی قاضی باید چنین باشد.....!

امیر مومنان علی بن ابیطالب (ع) مظهر راستین عدالتخواهی درباره «قاضی» در حکومت اسلامی دستورهای به مالک اشتر داده است که برای توجه همه «قاضیان» دادگاههای ایران و صدرنشینان «قوه قضائیه» بنقل آن مبادرت میشود:

الف - دانشمند و باتقوی باشد، آنچه عالم که تمام مسائل فقه و آیات قرآن را با اندک توجه بخاطر آورد، و آنچه آن پرهیزگار که زر را با خاکستر برابر داند.

ب - لازم است که قاضی مردی پرحوصله و خونسرد باشد، زیر اشخاص عصبانی و پرحرارت کمتر میتواند دقت و احتیاط کند. بدیهی است که در داوری احتیاط و کنجکاوی رکن اعظم است.

بقیه در صفحه هفتم

### گزارشی از نبرد چریکی در خاک عراق چگونه پیشمرگان کرد به سرزمینهای خود بازگشتند رزمندگان ایران در فراسوی مرز استعمار ساخته

هر دو امضاءکننده قرارداد، بیک اندازه از نیروهای مردمی وحشت داشتند. و هر دو آنها بر فرو کوفتن هر جلوه‌ای از ارزشهای اخلاقی هم‌رای بودند.

براستی که این توافقنامه یکی از شرم‌آورترین سندهای سیاسی میهن ما است که طی آن دو چهره سیاه سیاست شرق میانه، با یکدیگر قرار گذاشتند که بنام مردمی، بر بنیاد مردم کرد هجوم آورند، و چنین کردند.

توافقنامه ۱۹۷۵ الجزایر، نه تنها از لحاظ سیاسی زشت و پلید است بلکه تفرینی است بر ره‌آورد‌های بلند اخلاقی ملت ما در طول زندگی تاریخی خود.

ایرانیان قاعده‌های اخلاق و پایدار ماندن بشری را دوستی و همگامی را، در شمار اصلی‌ترین فضیلت‌های خود شناخته‌اند ولی این توافقنامه شرم‌آور، همه ارزشهای اخلاقی و وفا و مردمی را یکجا لگد میکند و همه را بهیچ میکشاند.

توافقنامه الجزایر، جلوه‌ای روشن از یک فحشای سیاسی است و سنگینی این تلخی بیشتر بر سوی ایران است، زیرا طرف دیگر قرارداد خواستها و منافع کشور خود را استواری میبخشد و برهماوردن خویش دست بالا میگیرد ولی حکومت ایران عهد می‌شکند و زمینه کشتار و آوارگی پاره‌ای از مردم خود را بقیه در صفحه چهارم

در اسفندماه ۱۳۵۳ بدنبال دیدار شاه خلع شده با صدام حسین در الجزایر، میان نظام استبدادی وابسته به بیگانه ایران و حکومت نژادگرایی بعث عراق توافقنامه‌ای به امضاء رسید. عامل اصلی تنظیم این توافقنامه، امپریالیسم آمریکا و دونفر امضاءکننده آن فرمانبرداران آن بودند.

ماده اصلی این توافقنامه هم‌آهنگی و تنظیم استعمار برای درهم شکستن و سرکوب کردن جنبش کردهای بیخاسته بود. در این توافقنامه هر دو امضاءکننده، یکدل و یک جهت، برای ستمگری هر چه بیشتر نسبت به مردم بیگانه کرد، ترتیبی فراهم آوردند.

بر اساس این ترتیب، تصمیم گرفته شد ستمگران تکریتی بغداد با سلاحهای آتشین، هست و نیست کردها را بکوبند، و تبهکاران دربار تهران، شخصیت و قدرت روحی و عاطفی و نظم خانوادگی و سنت‌های والای این مردم را آسیب رسانند.

توافقنامه الجزایر، هیچ خواسته اساسی دیگری ندارد و روح آن، هجوم مردم کرد است که در لایبای عبارت‌ها و واژه‌هایی چند نهاده شده است. نویسندگان توافقنامه در کار خود آنقدر مهارت نداشته‌اند که خواسته اصلی را در پوشش عبارت‌ها از چشمها نهان دارند.

### ارائه گزارش کار دولت گزارشها نباید جنبه آوازه‌گری داشته باشد

روزنامه جمهوری اسلامی در شماره شنبه پنجم آذرماه ۱۳۵۹ خود از قول مهندس بهزاد نبوی وزیر مشاور چنین می‌نویسد که «دولت گزارش کار خود را به مجلس و مردم ارائه میدهد». این اندیشه‌ای است بسیار درست و پسندیده و می‌باید هر چند گاهی یکبار، دولت‌ها دست‌آورد‌های خود را در اختیار مردم قرار دهند.

اینک بیشترین قدرت تولیدی کشور را سازمانهای حکومتی به خود اختصاص داده‌اند. این سازمانها، از اداری و آموزشی و صنعتی و کشاورزی و بهداشتی و اجتماعی می‌باید بدانند که در برابر هزینه‌های که بر در آمد عمومی بار می‌کنند باید نتیجه‌ای مثبت و ملمس‌شده عرضه دارند. این سازمانها نباید خود را فقط اجرا کننده قوانونها و مقررات بشمارند و انجام کارهای جاری روزانه را پایان وظیفه خود بدانند.

این سازمانها باید با بهره‌گیری از نیروی که در اختیارشان است بر دشواریها غالب آیند و هر گاه در قانونها و آئین نامه‌ها نارسائی ببینند باید در بر طرف ساختن آن برخیزند.

برای همه سازمانهای حکومتی ایران باید این نکته را روشن کرد که هیچ عذر و بهانه‌ای از ایشان پذیرفته نخواهد شد و هر کدام از آنها باید حاصلی عرضه دارند که در تناسب با بودجه و نیروی انسانی آنان باشد.

همه کار بدستان باید بر این نکته باور بیاورند که در یک نظام انقلابی امروز سمتهای مدیریت به عنوان امتیاز تلقی نمی‌شود بلکه گونه‌ای فداکاری است.

به هنگام گزارش کار هر کدام از سازمانهای حکومتی باید بودجه و سطحهای گوناگون نیروی انسانی آنها هم گزارش شود تا مردم بتوانند دست‌آورد‌های سازمانها را در تناسب با هزینه و امکانات آنها مورد داوری قرار دهند و همه آنها یک به یک باید برای وظیفه‌های اساسی خود گزارش روشن ارائه دهند. گزارشها باید همه دوران پس از پیروزی انقلاب را در بر بگیرد و به دوران وزارت و کار بدستی

شخص خاصی بسنده شود. گزارشهایی که ارائه می‌گردد باید ناگاهیها و ناکارائیها و نارسائیها را در کنار دست آورده‌ها باز نماید.

گزارشها نباید صورت خطابه‌های تبلیغاتی بیاید و به بقیه در صفحه هفتم

### مردم از بیکاری به جان آمده‌اند ایجاد اشتغال به سرمایه‌گذاری نیاز دارد. از میان بردن دشواریها وظیفه دولت است.

مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و گفت مسئله بیکاری به صورت آتش زیر خاکستر پنهان شده است بنابراین باید قبل از آنکه به صورت راه‌پیمایی عرض وجود کند و حالت‌های دیگری را پیدا کند، برای حل آنها راه‌حل‌های مناسبی ارائه شود. باید بیکاران را از همین حالا با مسائل فنی آشنا کرد و باید در کارگاهها و کارخانجات تحت آموزش‌های حرفه‌ای قرار گیرند و برای این مدت هم که تحت آموزش هستند به آنها دستمزد پرداخت کرد سپس آنها را به بازار کار فرستاد» بیکاری اکنون دیگر آتش زیر خاکستر نیست. بلکه آتشی است که به روشنی شعله می‌کشد و خطر می‌پراکند.

برای آگاه شدن بر شمار بیکاران، هیچ نیازی به کاوشهای علمی و آمارگیری‌های گوناگون در میان نیست. هر کس در محدوده زندگی خود به آسانی می‌تواند گروهی از بیکاران را سراغ کند.

بیکاری در فضای میهن ما چنان همه جاگیر شده است که کم‌کم اشتغال بصورت کالای لوکس جلوه می‌کند. بیکاری تنها در شکل آشکار خود وجود ندارد، بلکه بیکاری پنهان هم، فشاری بسیار شدید بر اقتصاد کشور وارد می‌کند و دردناکی بیکار ماندن انبوه بزرگ مردم، در راه‌پیمایی‌های احتمالی ایشان نیست. بیکاران، اگر راه‌پیمایی هم نکنند، همچنان دشواری بزرگ کشور را به وجود می‌آورند.

دشواری بیکاری تنها در جنبه‌های اقتصادی آن نیست. پیامدهای روانی و اجتماعی و اخلاقی بیکاری نیز بسیار سهمگین و دردآور است. بیکاری تحقیر آشکار و چندش‌آور شخصیت انسانی و چشمه جوشنده پریشانیهای روانی و آشفتگی‌های اخلاقی است.

بیکاری، در مقیاس گسترده نشان نارسائی نظام اداری و ناتوانی کار بدستان کشور است. اینکه نخست‌وزیر به دشواری بیکاری پی برده و در مقام چاره‌جویی آن آمده‌اند

جای حزنسودی اس‌ولی دلیلی که بر توجه خود به این دشواری بیان داشته‌اند، نگرانی‌آور است. کوشش در راه از میان بردن بیکاری برای پیشگیری از راه‌پیمایی احتمالی بیکاران نیست بلکه اشتغال بکار حق اساسی و ذاتی هر انسان است بقیه در صفحه سوم

روزنامه میزان در شماره هفتاد و یکشنبه پانزدهم آذرماه ۱۳۵۹ از قول آقای رجائی

نخست‌وزیر در کسفرانس استانداران چنین می‌نویسد: «آقای رجائی مسئله بیکاری را

### زیانبخشی درگیری دولتمردان

#### مردم نمیتوانند غرامت ستیزه‌های شخصی را بپردازند دشمن باید بی‌درنگ از خاک ایران بیرون ریخته شود

کشور صحنه درگیری دولتمردان و سیاستگران شده است و نیروهای مردم از راههای گوناگون به این درگیریها کشیده می‌شوند. درگیریها گاه اوج می‌گیرد و گاه فرو می‌افتد و یک زمان فضای سیاسی کشور را طوفانی می‌سازد و زمانی دیگر فضا آرام می‌شود. یک زمان هنگامه قهر است و خشم و زمانی دیگر سخن از آشتی است و مهر.

یک زمان چین غضب برابروان می‌افکنند و تصویر آن را بر صفحه پیام‌رسان‌های دور برد بر همه مردم ایران عرضه می‌دارند و زمانی دیگر در محفلی دوستانه بیکره بر می‌دارند و در نامه‌های روز به چشم بینندگان می‌کشند.

این قهر و آشتی‌ها در هنگامی رخ می‌دهد که میهن ما، دستخوش دشواریهای سهمگین و روان سوز می‌باشد و دشمنی خیره سر در پیکار است. قهر و آشتی دولتمردان باید یکدیگر، تازگی ندارد، چشم روزگار از این قهر و آشتی‌ها بسیار دیده است ولی آنچه در این میان تازه است، کشاندن انبوه مردم به این ماجراها می‌باشد.

از آن روز که این دولتمردان بیکدیگر به رویارویی آشکار پرداختند و سپس در نهان «به میثاق وحدت» رسیدند، دیری نمی‌گذرد.

در آن هنگامه بر خورد، روزنامه آرمان ملت در شماره ۱۳ خود چنین نوشت: «سخن از میثاق وحدت به میان آوردن، حکایت از آن دارد که دو گروه سیاسی درگیر در نبرد، تفاوت‌هایی در روشها و یا هدفها داشته‌اند، که بر اثر گفتگوی نمایندگان دو طرف، یا پادرمیانی کسان دیگر، تفاوت برداشته‌اند از میان رفته و وحدت نظر پدید آمده و بر اساس آن میثاق بسته شده است.»

«آنان که از میثاق وحدت سخن رانده‌اند، باید به روشنی و باصراحت اعلام دارند که اختلافها چگونه، باچه کسانی و باچه گروه‌هایی و بر سر چه مسئله‌هایی بوده، سپس این اختلافها به چه صورت رفع گردیده است.» «ماجرای مبارزه سیاسی، ماجرای قهر و آشتی شخصی نیست، و ماجرای فراز و نشیب روان شناختی شخص نمی‌باشد، بلکه ماجرای تفاوت اندیشه‌ها و برداشتها و شیوه‌های عمل است. جریان قهر و آشتی سیاستگران و کار بدستان دولتی اگر جنبه شخصی و روان شناختی دارد، نباید به گونه‌ای یک دشواری بزرگ کشوری طرح گردد، و اگر جنبه شخصی و روان شناختی ندارد، باید همه ماجرا از سرتابن واز ریشه تا همه شاخ و برگها به آشکارا بیان شود.»

بقیه در صفحه دوم

## ملت ایران، گستاخی‌های دولت بعثی عراق را نخواهد بخشید.

### زیانبخشی درگیری دولتمردان

«مردم در گوشه و کنار در توجیه علت قهر و سبب آشتی از اسفانه قدیمی مبارزه قدرت یاد می کنند و در این مبارزه از تفاوت بنیادها و برداشتها سراغ نمی گیرند.»

اینک باردیگر ماجرای قهر آشکار و آشتی نهان پدید آمده است این بار به جای «میثاق وحدت»، «تصویر وحدت» به روزنامهها رسیده است.

این بار هنگامه قهر سنگین تر و خروش آن بیشتر و ماجرای آشتی سبکتر و آرامتر بوده است. مردم از این قهر و آشتیها و از این فراز و فرودهای موجهای نبرد، حیرت زده بر جا مانده اند، از اینکه زندگی سیاسی کشور در این تلاطمهای بی حاصل فروپچییده، همگی اندوهگین اند.

اگر به راستی دشواری بااهمیتی در کار است که نبرد رانگیز می سازد می باید مردم را از آن آگاه ساخت و نبرد را تا پایان دنبال کرد و دیگر مدارا نمودن راجائی باقی نمی ماند و اگر چنین دشواری در کار نیست، آتش نبرد برافروختن و هیاهو برپا داشتن روا نمی باشد.

این قهر و آشتیها و این فراز و فرودها، بر باور مردمان آسیبهای سخت وارد می سازد و زندگی سیاسی کشور را به پژمردگی می کشاند و نظم اداری و رفرومیریزد.

در هر نبردی، پیروزی و شکست و سود و زیان هست. در این نبرد، زیان و شکست همه بر مردم وارد می آید و اگر سود و پیروزی باشد برای دولتمردان می باشد.

ایرانیان، اینک در نبرد بادشمن تجاوزگر، غرامتی می پردازند هر چه سنگین تر، دهها هزار زخمی و کشته و یک میلیون آواره و بسیاری شهرها و روستاهای ویران و نیمه ویران، گوشهای از غرامتی است که مردم پرداختن آن را برگردن گرفتارند و دیگر پرداختن غرامتی بیشتر را بر آنان روا نباید داشت.

جا دارد آشکارا، با صدای بلند، اعلام کرد، اگر شیوه اداره کشور درست می بود و اگر سیاست خارجی کشور روندی استوار و به قاعده می داشت، جنگ حاضر پیش نمی آمد و نه عراق استعمار ساخته که بسیاری نیروهای توانا هم، جسارت هجوم بر سرزمین ما را نمی کردند.

اینک بر اثر نارسائی شیوه های کشور داری شکستها پدید آمده و زیانها رسیده دیگر چه جای آن دارد که غرامت های درگیری دولتمردان را هم برگردن مردم بار کنند.

اینک اقتصاد ایران پریشان و به راستی پریشان است، نظام اداری کشور ضربه های خورده و پویائی خود را از کف داده است و کارهای آموزشی به تنگنائی فرو افتاده که چگونگی خارج شدن از آن بر هیچکس روشن نیست.

اینک بیکاری تار و پود شخصیت جوانان را از هم می درد و افزایش وحشت آور قیمتها زندگی را بر خانواده ها دشوار ساخته است.

اینک کمبود مسکن، چون غولی هراس آور، بخش بزرگی از شهرنشینان را به ستوه آورده است و از همه اینها بالاتر، اینک بخشهایی از ایران عزیز در چنگال دشمنی فرومایه گرفتار مانده است. و همگان در انتظارند که دولتمردان بر اینهمه درد، درمانی بیابند ولی دیده میشود که به جای چاره اندیشی، دولتمردان بر یکدیگر نهیب می زنند و بر هم می تازند، تلاش در برانداختن آن دیگری می کنند و باز دیده می شود که به ناگهان در ظاهر آتش دشمنیها خاموش می شود و کینه ها فرو می خسبند.

این کشمکش های ادواری، بر جان خسته مردم اندوه می ریزد و امیدهای آنان را فرو می کشد و سر خوردگی می پراکند و مصیبت بر مصیبت می افزاید.

انتظار همگانی این است که کار بدستان و دولتمردان به این جنگ و گریز و قهر و آشتی پایان دهند و در این هنگامه بلاخیز بر باور مردم و بر قدرت فکری و سیاسی کشور صدمه های تازه وارد نیاورند.

انتظار همگانی این است که دست کم تا زمانی که دشمن ایران زمین رانده نشده دولتمردان توانائی های خود را به بیگانه تجاوزگر نشان دهند، و از فرو کوفتن یکدیگر چشم پوشند.

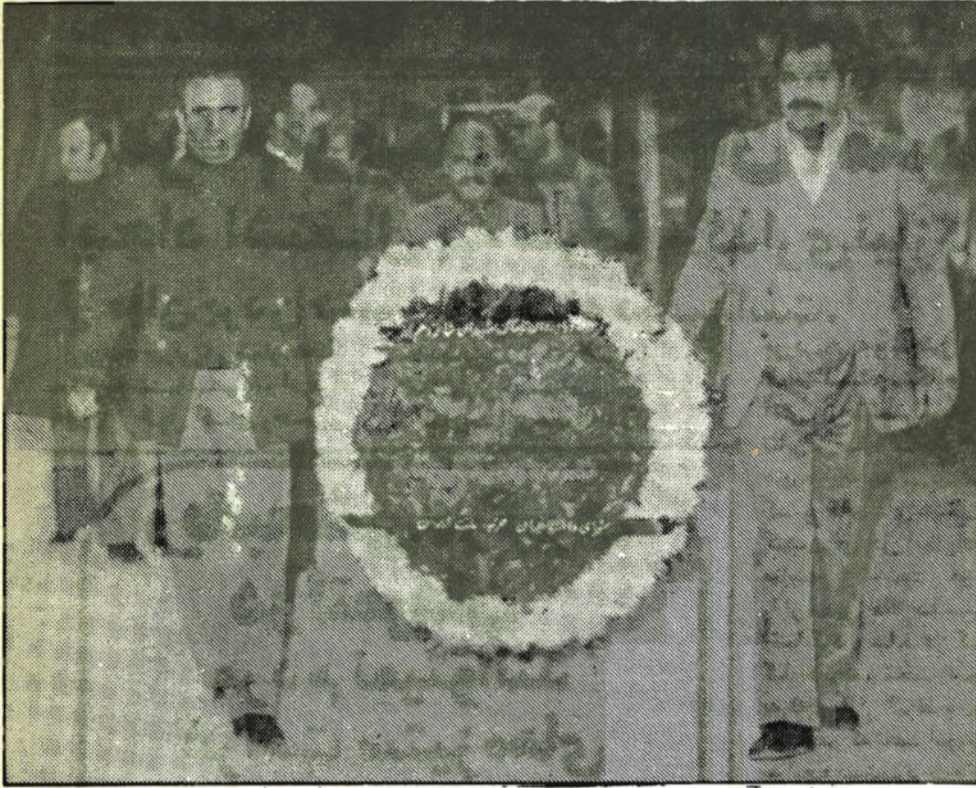
انتظار همگانی از کار بدستان و سیاستگران و دولتمردان این است که نیروی مردم را به کوره راه در گیریهای شخصی نکشاند، و نظم عصبی جامعه را پیش از این فرسوده نسازند.

انتظار همه مردم این است که دولتمردان، پیام امام خمینی را به گوش جان بشنوند و راه پراکندگی نسپرند و همه توانائی های خود را در سرکوب کردن دشمن ددمنش به کار گیرند.

سرپیچی دولتمردان از خواست رهبر انقلاب و ادامه دادن به کشمکش، بر آنان حاصلی ندارد و بر مردم زیانها دارد.

اینک هنگام همیاری است و می باید همه نیروی خود را در راه بسیج ملی برای تاراندن دشمن به کار انداخت. اینک دشمنی ناچیز و بددل، هفته ها می گذرد که بخشهایی از سرزمین ما را لگد کوب کرده و با همه امکان ها و قدرت ها که در اختیار ما می باشد، هنوز از پادگانها خسته نشده و به راستی تحمل درشتی هایی که این

### بزرگداشت شهیدان شانزدهم آذر همه به تعطیل بودن مرکز های آموزش عالی اعتراض داشتند



در آئین بزرگداشت شهیدان شانزدهم آذر، که به دعوت خانواده شهیدان و کانون ابلاغ اندیشه های شریعتی بر مزار آن دلاوران بخون خفته، در امامزاده عبدالله از ساعت دو بعد از ظهر روز یکشنبه، شانزدهم آذرماه، برپا شده بود. شمار بسیاری از دانشجویان و مردم حق طلب تهران شرکت کردند.

سه قطعه سنگ سیاه رنگ مزار این سه قهرمان نهضت ملی، زیر پوششی از گل های پاییزی، بگونه ای برگ عطر آگینی از کتاب تاریخ مبارزات پی گیر ملت ایران در راه استقلال و آزادی، گشوده بود.

شورای دانشگاهیان و شورای دانشجویان حزب ملت ایران نیز در این بزرگداشت شرکت داشتند و هر یک حلقه ای گل که بگونه ای آرم حزب ساخته شده بود، نثار مزار این قهرمانان بخون خفته کردند.

در برنامه های که بوسیله دعوت کنندگان اجراء شد پس از خواندن آیاتی از کلام اله مجید احسان شریعتی سخن گفت: سخنان وی پیرامون رابطه ی پدرش، دکتر علی شریعتی، با شهیدان، بویژه دانش، احمد شریعت رضوی، بود و قطعه شعر زیبایی را که در رشای شهیدان شانزدهم آذر سروده شده بود، نیز خواند.

ناکسان، بر ایران روا می دارند، بسیار گران است. سرکوب ساختن دولت استعمار ساخته و بی پایه و ریشه عراق نباید این اندازه به درازا بکشد و نباید این اندازه خسران به بار آورد.

باید قدرت نظامی ایران را به درخشیدن در آورد، باید به تهاجم پرداخت و باید همچنانکه امام خمینی به فرماندهان ارتش گفته است عراق را از سرزمین ایران بیرون انداخت.

بیرون انداختن مشتی مزدور، بر ارتش توانمند ایران، با روحیه عالی رزمی آن، کاری است نه چندان دشوار، با فداکاری ها و قهرمانی ها که رزم آوران ارتشی و سپاه پاسدار انقلاب می کنند و با درماندگی ها که در ارتش مزدور عراق، پدید آمده، باید در آینده ای بسیار نزدیک و با شتاب فراوان، به زندگی این دولت دست نشانده پایان داده شود.

روزنامه آرمان ملت در شماره سیزدهم آبانماه ۱۳۵۹ خود نوشت «با آنکه کارشناسان نظامی برجسته جهان ناآگاهی و ناتوانی ارتش مزدور دولت نژاد گرای بعث عراق را شناخته و گواهی کرده اند ولی کدام عامل سبب شده است که مشتی سقله بر ایران انقلابی در شتی کنند» و در شماره بیستم آبانماه ۱۳۵۹ خود باز یادآوری کرد «فرماندهی ما باید بیدرنگ روحیه تهاجم به خود بگیرد و دولت نیز باید همه نیازهای تهاجم را فراهم آورد و همه اینها باید با سرعت بسیار صورت پذیرد.»

«میبین در خطر است و زمان در گذر و فرصتها بسیار اندک و حساس و کار بدستان، مسئول مستقیم تمامی نابسامانیها و بغرنجیها» و در شماره سه شنبه چهارم آذرماه ۱۳۵۹ نوشته شد که «اینک زمان آن است که از زمین و هوا و دریا بی محابا بر دشمن تاخت آورد. اینک زمان آن است که بر سرتاسر مرزهای دشمن حمله های دلیرانه برد، در هر گوشه خاک دشمن آتش افروخت.»

نمی باید اجازه داد جنگ بسیار به درازا کشد، نباید فرصت گذارد که دشمن بیاساید و یا از اینجا و آنجا ساز و برگ جنگ فراهم آورد.»

اینک حزب ملت ایران بر هر آنچه در گذشته خواسته است، پا می فشارد و طلب می کند که بیدرنگ دشمن از خاک ایران بیرون ریخته شود و نیروی مردم به بازسازی کشور گمارده آید.

اینها همه خواست مردم است و امید می رود که کار بدستان در انجام آن، هیچ درنگ نکنند که اگر جز این شود بر ایران و انقلاب آسیب زده اند و بر خودشان هم.

#### وابستگی شورای دانشگاهیان حزب ملت ایران بهنگام بردن حلقه گل بر مزار شهیدان شانزدهم آذر

سپس پرویز خرسند، نویسنده خوش قریحه، که از یاران شریعتی بود، به تحلیل رویدادهایی که به شهادت دانشجویان انجامید، پرداخت و انتقادی از آنچه انقلاب فرهنگی نام گرفته نمود.

سخنران بعدی دکتر ملکی، سرپرست پیشین دانشگاه تهران بود که به بیان نقش مبارزاتی دانشگاه در تمامی سال های سیاه و سپس پرویز خرسند، نویسنده خوش قریحه، که از یاران شریعتی بود، به تحلیل رویدادهایی که به شهادت دانشجویان انجامید، پرداخت و انتقادی از آنچه انقلاب فرهنگی نام گرفته نمود.

سخنران بعدی آئین بزرگداشت شهیدان شانزدهم آذرماه بود. وی از دگرگونی مفهوم های اجتماعی و بهره برداری فرصت طلبان سخن گفت و از آنجمله مفهوم واژه «شهادت» را شرح داد.

شهادت را که در آن آگاهی و برخورداری از عدالت وجود داشته باشد وسیله ای برای دست یابی به یک زندگی انسانی خواند و افزود شهادت هدف نیست، زندگی که زیباست و عشق آفرین است، هدف است. سخنان فرهنگ با درود به سه قهرمان شهید نهضت ملی، پایان یافت.

سپس دکتر ناصر تکمیل همایون، به نمایندگی از حزب ملت ایران، چنین گفت: «پس از کودتای امپریالیسم آمریکا به همکاری ارتجاع داخلی علیه حکومت ملی دکتر مصدق، دشمنان ایران گمان بردند که سایه شوم استبداد برای همیشه بر سر مردم ایران خواهد ماند و دیگر هیچگاه از هیچ کانونی نوای آزادیخواهی بر نخواهد خاست.

سخت بر سر خشم آورد و خشونت را تا بدانجا گسترش داد که سه تن از دانشجویان قهرمان ما را زیر رگبار گلوله در محراب علم، به شهادت رساندند.

شهیدان دانشگاه، شهیدان نهضت ملی ایران بودند، یعنی شهیدان راه استقلال و آزادی ایران.

خون پاک آنها در شط خونین دفاع از هستی ملی از یکسو با خون شهیدان در شط خونین سیم تیر، شهیدان مشروطیت و همهی شهیدان تاریخ از سوی دیگر با خون شهیدان دوران اختناق و شهیدان دوران انقلاب و شهیدان پاسداری از مرزهای میهن عزیز آمیخته شد و به ابدیت پیوست.»

وی سپس افزود: «نخستین آئین یاد بود شهیدان در نخستین سال پایگیری جمهوری اسلامی ایران، شکوه مندی خاص داشت. با کمال تأسف امسال شهادتگاه این شهیدان، ماتمگاهی شده است که انحصارگران و غرض ورزان برای ملت ما فراهم آورده اند. حالتی که بدنبال یورش هیچ بیگانه، حتی حمله مغولان، در ایران بوجود نیامد.

مدرسه ها و حوزه های علمی و فضیلت و تخصص، هرگز اینسان مورد بی احترامی کار بدستان قرار نگرفته بود.»

دکتر ناصر تکمیل همایون سخنان خود را با درود به روان همهی شهیدان راه آزادی و استقلال ایران پایان داد و سپس پیام حزب ملت ایران را به مناسبت «روز دانشجو» خواند.

بعد خلیل رضائی، پدر شهیدان نام آور انقلاب، در میان ابزار احساسات فراوان رشته کلام در دست گرفت. سرانجام دکتر شریعت رضوی برادر شهید احمد شریعت رضوی از شرکت کنندگان در این بزرگداشت سیاستگزاری کرد. آئین بزرگداشت با فاتحه خوانی بر مزار قندچی، بزرگنیا و شریعت رضوی پایان گرفت.

## مردم از بیکاری به جان آمده اند

ورعایت کردن و به موقع اجراء گذاشتن حقوق انسانها، وظیفه ناگزیر حکومت می باشد. اجرای حقوق انسانها را نباید به اعتراض و مقاومت آنها موکول داشت، اگر مردم جامعه ای، آرام و ساکت، به حکومت خود احترام بگذارند، و در مقام راهپیمایی و پرخاش برنیایند، باز هم حکومت باید شرایط رفاه جسمانی و اعتلای شخصیت روانی ایشان را فراهم آورد.

در اصل بیست و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است «هر کس حق دارد شغلی را که بدان مسایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون بر همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.» اگر دولت به اجرای قانون اساسی کشور پای بند است، در فراهم آوردن امکان اشتغال برای بیکاران وظیفه های قطعی برعهده دارد. حقوق اساسی، در دنیای کنونی، تنها در رای دادن به هنگام انتخابات، یا در تعیین نوع رابطه ای ارگانهای قدرت با یکدیگر، خلاصه نمی شود.

حقوق اساسی، در زمینه های اصلی زندگی فردی، و در نظم بخشیدن به روابط افراد با یکدیگر و در استوار داشتن شخصیت و حیثیت انسانی، جلوه می نماید.

عبارتی که در قانون اساسی در زمینه تهیه اشتغال درج گردیده است به لحاظ زیبایی بیان و یا از روی تفنن نبوده، این عبارت در راستای شناخت یک حق اساسی بشری و در راستای سلامت و رشد اقتصادی و اجتماعی کشور است و اجرای آن نیاز به راهپیمایی و اعتراض گروهی ندارد.

دولت باید چنان آگاه و بیدار و چنان بر تحرک و شوق باشد که خود، ناگواریهایی بیکاری را بر مردم باز گوید و آنان را بر گرفتن شغل و پیشه های برانگیزد، بیکاری در شرایط حاضر، آتش زیر خاکستر نیست، زیرا ایستادن جوانها بر سر رهگذرها و چهره گرفته پدران بیکار خانواده ها، آتشی است که به روشنی شعله می کشد و قلب هر آزاده ای را به درد می آورد.

گسترش یافتن اشتغالهایی چون دستفروشی، و یا آشرشته پختن و فروختن در کنار خیابانها و میدانهای شهر، تهمت بزرگی بر نظام حکومتی ایران است. مردم رنجیده ای که با پختن و فروختن، مقدار مختصری باقلا یا لیبو، به گرداگرد شهر می چرخد و کالای ناچیز خود را عرضه می دارد، در حقیقت به بانگ بلند، ناتوانی نظام حکومتی را اعلام میدارد.

اگر قرار است که جمهوری اسلامی ایران، در جهان ملتها، به سر بلندی و عزت شناخته شود، باید حقوق اساسی ایرانیان را محترم بشناسد و در اجرای آن از هیچ کوشش فرونگذارد.

باید برای بیکاران کار فراهم آورد، نه از آن رو که بیم راهپیمایی آنان میرود بلکه از آن رو که آرزوهای بلند جمهوری

اسلامی برای انسانها چنین اقتضا میکند و از آن رو که اشتغال از زمره حقوق اساسی انسانها است و حکومت هم خود را به اجرای این حقوق پایبند می شناسد.

یک دلیل اساسی دیگر هم بر اشتغال بیکاران وجود دارد، و آن فراهم آوردن قدرت اقتصادی مناسب برای کشور است. هیچ تردید نیست، که اصلی ترین چشمه زاینده اقتصادی، قدرت کار مردم است. نفت داشتن یا نداشتن و فروش رفتن یا نرفتن آن، عامل تعیین کننده حیات اقتصادی نیست و نمیتواند باشد. به کار افتادن توانائی های انسانها در مسیر تولیدی درست و شایسته، تنها تکیه گاه اقتصاد کشور است.

نباید به انتظار آن نشست که جنگ تمام شود و دوباره فروش نفت آغاز گردد و از محل درآمد آن مرهمی بر زخمهای چرکین اقتصاد نهاد. باید از این فرصت که پدید آمده، نهایت بهره برداری را کرد و نیروهای کار کشور را در مسیری امیدبخش به حرکت در آورد.

ایسکه عنوان شده است که «باید بیکاران را از همین حالا با مسائل فنی آشنا کرد و باید در کارگاهها و کارخانجات تحت آموزش های حرفه ای قرار گیرند.» تدبیری است بسیار ناچیز، و در حقیقت ناچیز انگاشتن ماجرای گسترده بیکاری است.

بیکاری در شرایط کنونی شدیدتر از آن میباشد که با این تدبیر درمان شود و علاوه بر این دادن آموزش فنی، باید در متن یک برنامه سنجیده و حساب شده صورت گیرد.

ارگانهای برنامه ریزی کشور باید با سرعت برنامه جامعه رشد اقتصادی کشور را طرح ریزی کنند و بر اساس این برنامه، روشن کنند که در سالهای آینده در چه رشته هایی و به چه شمار و در چه سطح هایی کارگر فنی و ماهر لازم است.

سپس برنامه های برای دادن آموزش های لازم بر اساس این پیش بینی ها تنظیم و اجراء کنند و گرنه دادن آموزش پراکنده بدون در نظر گرفتن نیازهای عملی آینده نزدیک و دور نوعی ریسک و خطر کردن است که میتواند سودمند یا بی حاصل و یا حتی زیان بخش باشد.

گروهی را برای مدتی به آموزش کشیدن در حالی که مهارت دست آورد ایشان مورد نیاز کشور نباشد، ناراحتی های ناشی از بیکاری را برای آنان شدیدتر خواهد کرد.

از سوی دیگر، شمار بیکاران چندان افزون و چندان گوناگون است که با این روشها نمیتوان به رفع قطعی دشواری دست یافت.

برای روشن کردن شمار قطعی بیکاران، باید یک بررسی جامع آماری در سرتاسر کشور به وسیله سازمان برنامه و بودجه به عمل آید در ضمن آمار برداری از نیروی کار کشور باید از دارائیهای صنعتی و کشاورزی هم صورت برداری کاملی بشود تا به دقت بتوان از نیروی کار و امکانهای فنی سخن به میان آورد.

گروه دیگری که به بازار کار وارد می شود، سوی دیپلمه ها و دانشگاه دیده ها، گروههای

کارگران بی مهارت یا کم مهارتی هستند که در شهرها و بخشها و روستاها به جستجوی کار برمی خیزند.

شمار این گروه بر اساس آمارهای جمعیت و برشهای سنی آنان نیز دست کم در حدود سیصد هزار نفر است و با توجه به اینکه بانوان و دانش آموزان هم در حیات اجتماعی و اقتصادی شرکت فعال یافته اند و ایشان هم به طور طبیعی همپای برادران خود به جستجوی کار خواهند آمد، در نظر گرفتن رقم سیصد هزار نفر کارگر تازه وارد به بازار کار برای هر سال رقم بسیار احتیاط آمیزی می باشد و از آنجا که در سه سال گذشته برای این گروه هم کار تازه ای ایجاد نشده است و در جریان سال جاری هم احتمالاً ایجاد کاری برای آنان نمی رود می توان نظر داد که شماری در حدود یک میلیون و دویست هزار نفر در جریان به دست آوردن کار می باشند.

گروه دیگری که باید بر شمار اینها افزوده شود، گروه کارگرانی است که در نظام گذشته به کارهایی اشتغال داشته اند، ولی بر اثر دگرگونیهای اجتماعی و باز ایستادن بخش خصوصی از سرمایه گذاری، کار خود را از دست داده اند.

از میان این گروه بیش از همه کارگران ساختمانی ماهر و بی مهارت و فصلی و دائمی را می توان نام برد و اگر شمار این کارگران هم باتکیه به سابقه ها و آمارهای در دسترس حدود پانصد هزار نفر برآورد گردد، سخنی به گراف گفته نشده است.

پس باید برای یک میلیون دیپلمه، و یکصد هزار دانشگاه دیده و یک میلیون و دویست هزار کارگر غیر ماهر و کم مهارت و پانصد هزار کارگر، کار از دست داده در جستجوی کار بود و در ضمن فراهم آوردن فرصت اشتغال برای این گروهها باید در نظر داشت که موج بالا گیرنده جوانان جویای کار پیوسته در جریان برآمدن است و لحظهای هم این موج از میان نمی رود و کاستی نمی یابد.

یعنی بی هیچ گفتگو، به طور پیوسته در سراسر کشور، روزانه دو هزار نفر به بازار کار وارد می شوند.

باید در نظر داشت که امکان فرستادن شماری از مردم جویای کار به روستاها منتفی است و روستاهای ایران، با وصف همه آنچه که درباره اش گفته اند، هم اکنون بیش از اندازه ظرفیت و امکان های خود، کارگر در سینه خویش جا داده است.

اینک در روستاهای کشور شماری حدود بیست میلیون نفر زندگی می کنند که گروه عظیمی از ایشان در سنی قرار دارند که ظرف چند سال آینده به بازار کار کشور وارد می شوند و شمار داوطلبان کار را هر سال به یک میلیون نفر خواهند رسانید. پس نباید در اندیشه فرستادن بخشی از نیروی کار به روستا برآمد و باید در نظر آورد که روستا تا سالهای سال، صادرکننده نیروی کار خواهد بود، باید برای جمعیت جوان کشور در پی فراهم آوردن کار برآمد.

این بزرگترین و سنگین ترین

وظیفه دولت است که اگر انجام آن، توفیق یابد بر بسیاری از دشواری ها غلبه کرده است و اگر در آن در بماند، احتمال پیروزی در سایر زمینه ها، برایش بسیار ناچیز خواهد بود.

نخست وزیر در دنباله سخنان خود درباره بیکاری اعلام داشته است که پس از دادن آموزش باید «آنها را به بازار کار فرستاد» و یکی از اصلی ترین تنگناها و گذرگاهها در همین جا است.

بازار کار در ایران در حال حاضر ظرفیت پذیرفتن هیچکس را ندارد و باید بازار کار را برای پذیرفتن برای تازه واردان آماده کرد و این خواسته تنها با سرمایه گذاری دولتی ممکن می شود زیرا بخش خصوصی به دلیل های بسیار تاب و توان و نیز شوق و گرایش آن را ندارد که به سرمایه گذاری هائی دست بزند، از اینرو سنگینی بار سرمایه گذاری برای توسعه بازار کار بر دوش دولت است. پس دولت باید با بررسی کامل و با توجه بازده فوری و آتی سرمایه گذاری ها، زمینه های کار را تعیین کند و باید کارشناسان صاحب نظری در این باره به رسیدگی و تهیه پیشنهاد برخیزند.

در زمینه تهیه کار برای گروه های گوناگون یک حساب غیر دقیق می توان انجام داد، بدین شرح که اگر برای اشتغال هر دیپلمه حدود یکصد هزار تومان سرمایه گذاری لازم باشد که بی گفتگو رقم سنگینی نیست، پس برای اشتغال همه دیپلمه ها سرمایه ای برابر با یکصد و بیست میلیارد تومان نیاز است.

اگر برای اشتغال سودمند هر کدام از دانشگاه دیده ها فقط سیصد هزار تومان لازم باشد برای به کارگیری ایشان هم مبلغی برابر با سی میلیارد تومان لازم است و اگر برای اشتغال هر کدام از کارگران ماهر ونیمه ماهر هم فقط شصت هزار تومان در نظر گرفته شود می باید نود میلیارد تومان هم برای تهیه کار و جمع همه این رقمها مبلغی برابر دویست و چهل میلیارد تومان می شود.

سرکوب کردن غول بیکاری در نخستین گام به این مبلغ سرمایه گذاری نیاز دارد و سپس با شاغل کردن بیکاران حاضر، می باید در صد آن بود که آتانی را که به بیکاری پنهان دچار اند به کاری سودمند و سازنده واداشت.

شمار ایشان از میلیون بی هیچ تردید تجاوز می کند و در این فرصت از این گروه گفتگو نباید کرد، زیرا پرداختن به آنها می باید در مرحله دوم کار صورت گیرد.

اینک وظیفه برنامه ریزان است که در وهله نخست چنین

## آرمان ملت

## ارگان حزب ملت ایران

دارنده امتیاز: امیر سلیمان عظیمی

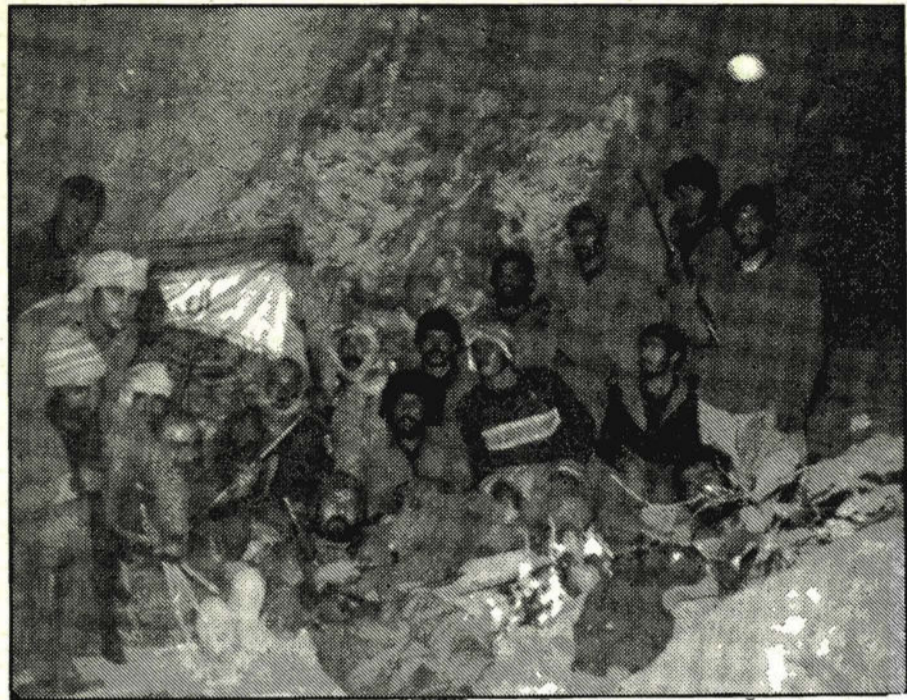
زیر نظر شورای نویسندگان

شماره حساب بانکی ۹۸۲۳ بانک صادرات شعبه فردوسی شماره ۳

خیابان سیهبدرقربنی خیابان سیند شماره ۲۶ طبقه سوم تلفن ۸۹۸۲۱۷

صندوق پستی ۱۱۵۷-۳۱۴





**رزمندگان گروه فاخ از سازمان سیاه جامگان پس از حمله به مرگ سورشب را در غاری به سر بردند**

سنگین، مین‌باب و چند کارشناس مین جمع کن. بیست نفر از کردان را آماده کرده‌اند که اگر کسی بیاید به آنها آموزش بدهند. این کار ضروری است چون عراقیها اطراف پاسگاهها و سنگرهای خود را به وسعت زیادی مین‌گذاری کرده‌اند.

**۱۳۵۹/۸/۱۷**  
مدت دوازده رور است که داخل خاک عراق هستیم، وضع ما بدنیهست، از دور صدای شلیک توپ می‌آید. ممکن است امروز بتوانیم بیماران را برگردانیم ولی چگونه می‌توانند سی و هفت ساعت با این بیماری راه بروند.

امروز از تمرین بقیه همزمان بسیار راضی بودم. باران شروع شده و به داخل چادر نفوذ میکند. به هم‌زمان می‌گویم، هم میهنان ما در فارس و لرستان و بقیه جاهای دیگر هیمگوبه زندگی می‌کنند. در چادر دو چاله برای آتش درست می‌کنم. مقدار کمی نایلون داریم که روی تفتنگها و فشتنگها قرار می‌دهیم که رنگ نزنند. شام هم‌زمان نان خالی می‌خورند و جای خواب خیس شده است. همه کنار آتش تا صبح بیدار میمانیم. بیست و یکساعت باران باریده و آب رودخانه یک متر بالا آمده و گل‌لود است، ولی از همین آب باید استفاده کنیم.

**۱۳۵۹/۸/۱۸**  
جنگل، جان پناه چریک است، در صورتی که طبیعت را بشناسد. در غیر اینصورت گورستان اوست. آقای شیخ محمد خالد بارزانی و آقای ادریس بارزانی و گروه پیش‌مرگان همراه آنها هنوز مراجعت نکرده‌اند. سروان یونسی مرتب بما سر میزند و ساعتها در باره جنگ و انقلاب عراق و گذشته صحبت می‌کنیم.

**۵۹/۸/۱۹**  
امروز منتظر گروهی پیش‌مرگ که از نوه حرکت کرده‌اند می‌باشیم. آنها قرار است که برای سلاحهای نیم سنگین گلوله سیارند. پیش‌مرگان اعزامی برای دریافت اطلاعات، جرمی‌آوردند که وضع داخلی عراق بسیار خراب است.

**۵۹/۸/۲۰**  
امروز شمار بیماران اضافه شده هم‌زمان وحدتی‌نیا، هم‌زمان نوائی، هم‌زمان جوهری،

هم‌زمان علی‌اکبر، بیمار هستند. نمایشنامه‌ها را از تهران خبری ندارم وضع ارتباط خوب نیست، امروز ساعت ۸ اخبار رادیو ایران خبر داد که هم‌زمان داریوش فروهر از جبهه‌های خوزستان دیدن کرده و بعد از مراجعت با امام‌خمینی ملاقات داشته است و عازم جبهه‌های دیگر جنگ می‌باشد این خبر در روحیه هم‌زمان بسیار تأثیر خوب می‌گذارد دیشب هم به ما با بیسیم اطلاع دادند که فردا به اورمیه خواهد آمد.

**۱۳۵۹/۸/۱۳**  
هم‌زمان طبق برنامه هر روزی آموزش نظامی دارند با آقای بافنده صحبت کردم که بیشتر روی سنگرگیری و خیز و خزیده کار کنند، امروز با آقای ادریس بارزانی دیدار داشتم برای شاخه یک پیغام فرستاد که به دشمن فشار بیشتری بیآورند در ضمن پنجاه نفر پیش‌مرگ انتخاب شده‌اند که اگر هم‌زمان فروهر خواستند به این قرارگاه بیایند به پیشواض بفرستند یک جت فانتوم امروز از بالای سرما رد شد رادیو بغداد گزارش داد که امروز هواپیماهای ایرانی مرگ سور را بمباران کردند پس از هر حمله هوایی کردها به ما تبریک می‌گویند و از کمک ایران تشکر می‌کنند.

**۱۳۵۹/۸/۱۴**  
امروز صبح زود آقای شیخ محمد خالد بارزانی و آقای ادریس عازم منطقه بارزان زادگاه خود شدند تا دیداری از اماکن مقدسه و آرامگاههای اجدادی خود نمایند ظاهراً این رفت و برگشت چهاررور طول خواهد کشید هم‌زمان وحدتی‌نیا، هم‌زمان راست، دیسانتری شدید، بقیه گروه همگی خوبند منتظر خبر بیسیم هستیم که ببینیم هم‌زمان فروهر حرکت کرده یا نه عصر سروان یونس خبر می‌آورد که ایشان به قرارگاه مسعود بارزانی رفته‌اند و می‌گویند که حمله هوایی به پادگان مرگ سور بسیار نتیجه بخش بوده است و عراقیها، پس از حمله هوایی بدون هدف تیراندازی می‌کنند از دور صدای شلیک توپهای آنها بگوش می‌رسد.

**۱۳۵۹/۸/۱۵**  
صبح یک میگ عراقی بطرف ایران رفت، نمایشنامه آیا آسیبی هم رسانده یا نه، هم‌زمان نوائی هم بیمار شد، به احتمال زیاد اگر آقای ادریس بارزانی برسد، فردا پیش‌مرگ خواهیم کرد. هر رور بعدازظهر سروان یونسی بما سر میزند، افسر بسیار با تجربه‌ای است.

**۱۳۵۹/۸/۱۶**  
به بیماران، هم‌زمان علی‌اکبر و بابک جوهری اضافه می‌شوند. نیز در بدن ندارند. ما تمام کوشش خود را برای بهبودی آنها می‌کنیم ولی در قرارگاه دارو نیست. کردها هم بیمارند و هنوز آقای شیخ محمد خالد بارزانی و آقای ادریس بارزانی و گروه یکصد و بیست نفری پیش‌مرگ همراه آنان باز نگشته‌اند، خبری هم نداریم که هم‌زمان فروهر به مقصد رسیده یا نه، در قرارگاه احتیاج زیادی به دارو و پزشکی هست همچنین سلاحهای

راه می‌افتد و می‌میرد تمام کانونهای بین‌المللی دروغ است، از اینکه در دوران پناهندگی آنها در ایران ما هم نمیتوانستیم کاری بکنیم، دلم گرفت.

از تهران خبری ندارم وضع ارتباط خوب نیست، امروز ساعت ۸ اخبار رادیو ایران خبر داد که هم‌زمان داریوش فروهر از جبهه‌های خوزستان دیدن کرده و بعد از مراجعت با امام‌خمینی ملاقات داشته است و عازم جبهه‌های دیگر جنگ می‌باشد این خبر در روحیه هم‌زمان بسیار تأثیر خوب می‌گذارد دیشب هم به ما با بیسیم اطلاع دادند که فردا به اورمیه خواهد آمد.

**۱۳۵۹/۸/۱۳**  
هم‌زمان طبق برنامه هر روزی آموزش نظامی دارند با آقای بافنده صحبت کردم که بیشتر روی سنگرگیری و خیز و خزیده کار کنند، امروز با آقای ادریس بارزانی دیدار داشتم برای شاخه یک پیغام فرستاد که به دشمن فشار بیشتری بیآورند در ضمن پنجاه نفر پیش‌مرگ انتخاب شده‌اند که اگر هم‌زمان فروهر خواستند به این قرارگاه بیایند به پیشواض بفرستند یک جت فانتوم امروز از بالای سرما رد شد رادیو بغداد گزارش داد که امروز هواپیماهای ایرانی مرگ سور را بمباران کردند پس از هر حمله هوایی کردها به ما تبریک می‌گویند و از کمک ایران تشکر می‌کنند.

**۱۳۵۹/۸/۱۴**  
امروز صبح زود آقای شیخ محمد خالد بارزانی و آقای ادریس عازم منطقه بارزان زادگاه خود شدند تا دیداری از اماکن مقدسه و آرامگاههای اجدادی خود نمایند ظاهراً این رفت و برگشت چهاررور طول خواهد کشید هم‌زمان وحدتی‌نیا، هم‌زمان راست، دیسانتری شدید، بقیه گروه همگی خوبند منتظر خبر بیسیم هستیم که ببینیم هم‌زمان فروهر حرکت کرده یا نه عصر سروان یونس خبر می‌آورد که ایشان به قرارگاه مسعود بارزانی رفته‌اند و می‌گویند که حمله هوایی به پادگان مرگ سور بسیار نتیجه بخش بوده است و عراقیها، پس از حمله هوایی بدون هدف تیراندازی می‌کنند از دور صدای شلیک توپهای آنها بگوش می‌رسد.

**۱۳۵۹/۸/۱۵**  
صبح یک میگ عراقی بطرف ایران رفت، نمایشنامه آیا آسیبی هم رسانده یا نه، هم‌زمان نوائی هم بیمار شد، به احتمال زیاد اگر آقای ادریس بارزانی برسد، فردا پیش‌مرگ خواهیم کرد. هر رور بعدازظهر سروان یونسی بما سر میزند، افسر بسیار با تجربه‌ای است.

**۱۳۵۹/۸/۱۶**  
به بیماران، هم‌زمان علی‌اکبر و بابک جوهری اضافه می‌شوند. نیز در بدن ندارند. ما تمام کوشش خود را برای بهبودی آنها می‌کنیم ولی در قرارگاه دارو نیست. کردها هم بیمارند و هنوز آقای شیخ محمد خالد بارزانی و آقای ادریس بارزانی و گروه یکصد و بیست نفری پیش‌مرگ همراه آنان باز نگشته‌اند، خبری هم نداریم که هم‌زمان فروهر به مقصد رسیده یا نه، در قرارگاه احتیاج زیادی به دارو و پزشکی هست همچنین سلاحهای

را بدست می‌آورند. ساعت چهار و نیم بعدازظهر حرکت آغاز میشود راه خطرناک است باز هم از دهکده‌های ویران شده و زمین سوخته می‌گذریم هیچکس جز گروه پیش‌مرگان دیده نمی‌شود تنها چیز مشخص گورستانهای دهکده‌هاست، به سرعت خود می‌افزائیم شب شده و همه خسته هستند منطقه‌ای که از آن عبور میکنیم دشت گرازان نام دارد و تیغزارست و راه وسیله گروهی پیش‌مرگ که از قرارگاه آمده اند پاک شده و ارتفاعات نیز وسیله پیش‌مرگان گرفته شده است.

ساعت هشت و نیم بعدازظهر وارد قرارگاه پیش‌مرگان کردستان عراق میشویم.

اردوگاه کوهستانی است و زیر پوشش جنگل، یک نانوائی هم به تازگی درست شده، در میان تخته سنگها و مغاره‌ها، پیش‌مرگان گروه گروه دور آتش نشسته‌اند آقای طارک به ما خوش آمد می‌گوید. شام برای تمامی کاروان تدارک دیده‌اند و هم‌زمان شام گرم خوردند و در بلندی کنار رودخانه در میان صخره‌ها چادری در اختیار ما گذاشتند برای رسیدن به آب قدری باید پائین برویم همه خسته‌اند آتش روشن میکنیم و همگی بخواب عمیقی فرو میروند.

**۱۳۵۹/۸/۱۸**  
قرارگاه پیش‌مرگان کرد عراق در دره‌ای می‌باشد و آنطرف رودخانه خاک تر کیه است امروز را همه گروه به استراحت می‌گذارند و با آب رودخانه استحمام میکنند عصر جلسه حزبی تشکیل می‌دهیم به همه هم‌زمان تاکید میکنیم، چنان رفتار کنند که در اردوگاه نمونه باشند کردها روزی سه چهار نفر برای مداوای ایشان به داریوش یزدی زاده مراجعه میکنند کارش خوب است.

برای خوردن شام و نهار مسافتی را باید طی کرد امروز روز خوبی بود.

**۱۳۵۹/۸/۱۹**  
قرارگاه پیش‌مرگان حزب دموکرات کردستان عراق- هوا ابری است هنوز مشخص نیست که عملیات کی آغاز میشود از جبهه‌های جنگ بی‌اطلاع مانده‌ایم و هم‌زمان استراحت میکنند ساعت یازده صبح آقای ادریس بارزانی و سروان یونس پیش ما می‌آیند گویا سروان یونس مشاور نظامی آقای ادریس بارزانی است یکساعت باهم گفتگو میکنیم از هم‌زمان در راهپیمائی تعریف میکنند و می‌گویند اغلب پیش‌مرگان هنوز پاهایشان درد میکند.

آقای ادریس بارزانی بسیار امیدوار است دوباره من تاکید میکنم که هر چه زودتر حمله و ضربه زدن را شروع کنیم، وی می‌گوید افرادی را برای بدست آوردن اطلاعات به اطراف فرستاده و امشب قرار است سی پیش‌مرگ به مرگ سور بروند و نیروی دشمن را برآورد کنند پس از رفتن آقای ادریس بارزانی به آقای بافنده گفتیم که از فردا تمرینات را شروع کنند گروه ما کم کم نظم لازم را بدست می‌آورد.

من در چادرمانده‌ام و بقیه رفته‌اند برای نهار، باران کم کم می‌بارد امروز بدون بدون حادثه

گذشت شب در کنار آتش هم‌زمان سرودای ایران را خواندند، باران بشدت می‌بارد و اکنون دوازده ساعت است که بند نیامده است.

باران هنوز بند نیامده و همه چیز خیس شده فقط آتش داریم، اردوگاه از یکسال پیش با آمدن دکتر سعید به این منطقه راه افتاده و محل طوری انتخاب شده که از بالا جز جنگل دیده نمیشود چادرها زیر صخره‌ها و درختها قرار دارد و همه چیز را استتار کرده اند سه سلاح ضد هوایی روی بلندی‌های کوه گذاشته شده، تا حمله هوایی را دفع کند تدارک این همه پیش‌مرگ بسیار دشوار است و تدارک کننده باید آدم برجسته‌ای باشد.

**۱۳۵۹/۸/۱۱**  
صبحانه امروز نان خالی بود هرچه کمتر باشد من راضی‌ترم هم‌زمان عادت میکنند، از امروز تمرینات نظامی هم‌زمان شروع شده.

نامه‌ای برای هم‌زمان فروهر نوشتم و فرستادم آقای ادریس بارزانی امروز گفت که جاشها (مزدوران) را به جلوی ما فرستاده‌اند و یک تیپ پادگان مرگ سور را تقویت کرده است از صبح که بلند میشود نامه‌هایی به اطراف می‌فرستد، تهدید میکند، می‌بخشد، در فکر اسلحه و آذوقه است هر روز اردوگاه را سرکشی میکند به چادرها سر میزند، از دور صدای توپخانه شنیده میشود از امروز اجازه آتش روشن کردن نداریم چون دود آن باعث دیدن هواپیماها میشود، از امشب نگهبان هم گذاشته‌ام

**۱۳۵۹/۸/۱۲**  
هم‌زمان روزی نیم ساعت نرمش میکنند و یکساعت تمرینات نظامی، امروز خبر رسید که یک گروه پیش‌مرگان کردستان عراق به رهبری مسعود بارزانی ضرباتی بردشمن وارد کرده‌اند، دو روز است که صدای خمسه خمسه قطع نمیشود باید هرچه زودتر شاخه‌ها بهم برسند هدف اولی مرگ سور است دیشب از آقای طارک خواهش کردم روزی نیم ساعت به هم‌زمان کردی بیاموزد و امروز آمد و بعد از درس صحبت کردیم دیرزیان انگلیسی و عربی بوده که به ایران پناهنده شده است.

از ناملايمات و رفتار بسیار بد ماموران ساواک می‌گویند و از اینکه مجبور بوده در یک کارخانه - پانکی کار کند. نظری راجع به سازمانهای بین‌المللی و حقوق بشر دارد و می‌گوید دروغ محض است، از شورش صد ساله کردها چیزی نمی‌گویند و کشتاری که از کردها شده و میشود و به عنوان مثال ذکر میکنند که به تمامی پناهندگان دنیا کمک میکنند چرا به ما کمک نمی‌کنند به افغانها که جنگ را تازه شروع کرده‌اند یا به نهضت فلسطین کمک مالی میشود. بچه‌های ما را با ناپالم می‌کشند حقوق بشری‌ها اعتراضی که نمیکنند اعلام هم نمی‌کنند در صورتیکه اگر کسی در گوشه‌ای از دنیا اعتصاب غذا کند نامش را در تمام روزنامه‌ها و رادیوها اعلام میکنند.

می‌گویند ما سالهاست که آواره هستیم مبارزه میکنیم دهکده‌های ما را سوزانده‌اند، در هنگامیکه به ایران پناهنده شدیم تا کمر دربرف بودیم و بسیاری از سرما مردند، بچه در بغل مادر به



ارگان حرب ملت ایران

# معیارهای راستین قضاوت اسلامی

ج- کسی که برمسند داوری نشسته باید بقوت قلب و قدرت بیان آراسته باشد، نیکو سخن گوید و آشکارا بیان کند. غالباً یک تن از متداعیین و گاهی هردو نطق وزبان آور افتند، در صورتیکه قاضی نتواند با آنان بگفتگو پردازد و مخصوصاً در هنگام احقاق حق بر حریف سخنران خویش پیروز شود، مسلماً عمل قضاوت را درست انجام نتواند داد.

د- قاضی فراموشکار خوب نیست، دادرسی عملی سخت دقیق و باریک است. دادرسی اگر بمدت خاطر و جمعیت حواس مجهز نباشد، چگونه از اشتباه محفوظ میماند؟ بقضات سفارش کن که در محاکم عدالت ارباب رجوع را نیکو بشناسند و دلائل طرفین را کاملاً بیاد داشته باشند.

ه- پناه بر خدا اگر قاضی آزمند و طمع کار افتد! در این موقع دزدان جامعه خوب میتوانند انگشت بر نقطه حساس کشور گذاشته، دست غارت از آستین برون آورند، زیرا آسانست قاضی را تطمیع کنند و اموال دیگران را بر بایند.

و- اگر قاضی دستخوش احساسات و عواطف گردد و بیگاه مراقب در قدم دل گذارد و تسلیم هموسه‌های ناهنجار عرفیت شهوت شود، روزگار بر امت اسلام تیره خواهد شد و احکام الهی معطل خواهد ماند.

ز- قاضی نمیتواند در اولین لحظه که حقانیت یک تن از متداعیین را احساس کرده بیدرت حکم صادر نماید. زیرا ممکن است نظر بدوی بخطا رود. آنکس که در خون و مال و ناموس و حیات جامعه دست فرو می برد و با یک سخن یکی را حاکم و دیگری را محکوم معرفی مینماید، باید در منتهای دقت و دوراندیشی پایان کار را تاهر کجا که منتهی میشود بمد نظر آورد.

ح- خوب است که قضات از جسارت متداعیین دلستنگ نشوند و آنچه‌شان که اسیر شهوت نیستند، گرفتار غضب هم نباشند. باملاطمت و بردباری بحل و عقد امور اقدام نمایند. ط- از من بقاضی بگوئید که در کشف مطالب چندان تعجیل مکن، بگذار باهستگی حقیقت مطلب آشکار شود، زیرا مطمئن نیستیم کاری که با شتاب انجام گیرد، بحقیقت مقرون باشد.

ی- در آموغ که حکم عدالت بصور حکم تصمیم میگیرد. باید همچون گوهی محکم، آهنین و نظیر شمشیر هندی برنده و قاطع باشد، و هرگز جائز نیست که محکمه در فتوای خویش دستخوش تردید و حیرت گردد.

ک- اگر قضات مردمی خودپسند و خویشتن خواه باشند، کافیت غارتگری بهنگام دوری بمدح و ثنای قاضی زبان گشاید و آن تیره‌بخت را با مشتى الفاظ و سطرى تملق و چاپلوسی بدام خویش در بند کشد.

ل- اگر قضات ساده دل و زود باور انتخاب شوند، زود فریب خورند و بی‌تامل باور کنند و حقوق بیچارگان بیهوده و ناچیز گردد.

اینگونه قاضی که تعریف کردام سخت کمیاب و گمنام باشد و دیر بدست آید، اما توای والی مصر، ای مسوول بندگان خدای، ناگزیری که تمام این شرایط را در انتخاب قاضی رعایت کنی (سخنان علی (ع) از نهج البلاغه ترجمه جواد فاضل ص ۳- ۲۵۱)

مردم ایران از جمهوری اسلامی عدالت علوی را در نظر دارند و خواستار تحقق آن میباشند و شرکت صمیمانه در فرآیند نظام حکومتی و تصویب قانون اساسی، یعنی دلیستگی به «مدینه فاضله» ای که قرن‌ها در انتظارش بسر بردمانند. بی‌آنکه مشکل‌ها و کارشکنی‌های موجود در جامعه نادیده انگاشته شود، بی‌آنکه توقع آن باشد که پس از آنهمه ستم و ستمگری، بناگاه کشور در طراوت بیدریغ عدالت قرار گیرد، باید بمسئولان قضائی و کاربدستان کشور یادآور شد که تاریخ چه رسالتی برعهده آنان نهاده است و مردم نیز باید بدانند که آرزوهایشان تنها با چه...

اندازه تحقق یافته است و فقط در این صورت، با داشتن آگاهی و ایمان به سازندگی، میتوان جامعه را در حرکت انقلابی راهبری کرد.

با در نظر گرفتن فرمانهای جاویدان نخستین امام مذهب عدالتخواهانه خود و نامه زیر که رئیس یک «دادگاه اسلامی» و نه دادگاهی نظیر دیوان مشهور بلخ! نوشته است (بسنقل از روزنامه انقلاب اسلامی شماره ۴۱۰) می‌توان صادقانه (ومحضاً لله) خود قاضی بی‌غرض گفتارها و کردارهایمان باشیم.

بنگاه  
تذکره ۲۸ و ۵۱  
سازمان اسناد و کتابخانه ملی

سازمان اسناد و کتابخانه ملی

گزاره دادگاه انقلاب اسلامی خرم‌آباد لرستان

به حساب راهبردی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

مجلس شورای اسلامی استان لرستان  
شماره ۲۷ و ۲۸  
در خصوص پرونده آقایان...  
در تاریخ ۲۷ و ۲۸ خرداد ماه ۱۳۵۷...  
با حضور آقایان...  
رئیس دادگاه: آقای...  
وکیل مدافع: آقای...  
وکیل مدعی: آقای...  
حاضرین: آقایان...  
غایبین: آقایان...  
مقرر شد:...

از دادگاه انقلاب اسلامی خرم‌آباد لرستان  
به صدای رادیو خرم‌آباد لرستان

طبق گزارش سرپرست انتظامات حشمت‌الله قهرمانی که در راس ساعت ۴ بعدازظهر روز ۵۹/۱/۲۷ در مسجد علوی عدای ضدخدا و ضداسلام که میخواستند عده‌ای بیگانه‌ای را بقتل برسانند ولی بین خود چریکهای فدائی خلق در گیر میشوند که پسر بچهای زخمی شده که تمام مردم اهالی خیابان علوی گفتند که پاسدار نبوده و یک نفر شخصی بود که شخص مقتول در زندان شهرتانی میباشد. خواهشمند است در رادیو ابلاغ فرمائید که پاسداران هیچگونه دخالتی نداشته است و خود شخص زارب گفته که پاسدار نبوده است.

رئیس دادگاه انقلاب خرم‌آباد نکاتی که در این نامه باید به آن توجه کرد:

- ۱- رئیس دادگاه فقط به گزارش سرپرست انتظامات استناد میکند (که درست نیست).
- ۲- رئیس دادگاه، عده‌ای را که در مسجد علوی جمع شده بودند با خواندن (یا شنیدن) یک گزارش «ضد خدا» و «ضد اسلام» دانسته است (که چه بسا تهمت واقتر باشد).
- ۳- رئیس دادگاه فوراً تشخیص داده است که این گروه آمده‌اند تا «عده بیگانه‌ای» را بقتل برسانند (که پیش داوری در این نظر آشکار است).
- ۴- رئیس دادگاه افشاء میکند که حمله کنندگان «چریکهای فدائی خلق» بوده‌اند که ناگهان بین آنها «درگیری» بوجود می‌آید (یعنی بخشی از این «گروه ضد خدا و ضد اسلام»، خداپرست و مسلمان میشوند و به جان یکدیگر می‌افتند).
- ۵- رئیس دادگاه، گویا میخواهد بگوید. اهالی خیابان علوی گفته‌اند، پسر بچهای که در گیر و دار زخمی و مضروب

# ارائه گزارش کار دولت

توجه و تحسین یک شخص خاص و یا یک طرح خاص سپردازد. گزارشها باید به‌طور دقیق و با کمال بی‌طرفی شکسته‌ها و پیروزیها را بنمایاند و اندیشه‌های اساسی که حاکم بر سازمان بود و اثرها و نتیجه‌های آنها را شرح دهد.

سیاستها و روشهای اتخاذی سازمانها، باید در این گزارشها به بررسی و نقد در آید. از پرچم شدن گزارشها نباید هراسید، حتی اگر کار به تدوین یک کتاب سنگین و پر صفحه بکشد. سرانجام ملت ایران باید با نظام حکومتی خود آشنائی کافی بیاید و از زشتی‌ها و زیباییها و از ضعفها و توانائی‌های آنها آگاه شود و باید بداند که در برابر مالیاتی که برای راه افتادن این سازمانها می‌پردازد، از آنها چه عایدش میشود.

در همه گزارشها باید بی‌هیچ شده، توسط پاسدار نبوده است (معلوم است که دسته‌های معتقد بوده‌اند میان پاسداران واجتماع «عده‌ای ضد خدا و ضد اسلام» در مسجد علوی درگیری پیش آمده و کودکی زخمی شده است).

۶- رئیس دادگاه نوشته است که شخص «مقتول» در زندان شهرتانی است! معلوم نیست مقتول کیست که پس از قتل تازه نعش او را بشهرتانی برده‌اند! (که از قرار مقصود از «مقتول» آن شخصی پویش کتک زنده کودک زخمی است که بعلت بیسوادى یا عجله «اشتباه!» نوشته شده است).

۷- رئیس دادگاه گویا از شخص «زارب» (که مقصود «ضارب» است) پرسیده که آیا شما پاسدار هستید؟ و «شخص زارب!» گفته است نه من «شخصی» هستم (که جل‌الخلاق از این همه سواد و آگاهی به «تمام مسائل فقه و آیات قرآن»!).

۸- بالاخره رئیس دادگاه از «صدای رادیو خرم‌آباد» خواسته است که این وقایع (لابد حق طلبانه و عدالتخواهانه) را «ابلاغ» فرمایند (که همگان بدانند اگر «آهنگری» در بلخ گناه کند بیهیچوجه گردن هیچ «مسگری» را در شوشتر نخواهند زد!).

\*\*\*

خواننده عزیز، ایرانی شرافتمند، مسلمان آگاه، آیا این گونه دادرسی‌ها اسلامی است؟ آیا با فرمانهای علی علیه‌السلام مطابقت دارد؟

آیا «بی‌سوادى» این رئیس دادگاه برای صدرنشینان مسند قضا، روشن نیست؟ آیا «غرض‌ورزی» وی را میتوانند نادیده انگارند؟ به چه دلیل افرادی از این دست، دادرسان جامعه انقلابی ما میشوند؟

آیا جان و مال وهستی و ناموس و حیات ملی و اسلامی سی و شش میلیون ایرانی چشم براه عدالت باید در دست اشخاصی از این قبیل باشد؟

شما را بخدایتعالی سوگند، اگر رئیس این دادگاه و رؤسای دادگاههای نظیر آن، در زمان خلافت مولای متقیان بودند، آن شیر حق، آن یگانه تاریخ، آن موحد راستین زمان، با آنان چه میکرد؟

شما ای کاربدستان کشور، ای ناظران دادرسی اسلام، میدانید بر انقلاب شکوهمند ما چه میگذرد؟ میدانید نظام جمهوری اسلامی ایران بکجا میرود؟

شما را به خدا، به رسول خدا، به قرآن خدا، به معصومان دوستدار خدا، چشم باز کنید؛ و حل گمراهی است برسر راه ای سران پای دروخل منهد!!

# جنبش دانشجویی ایران

پس از روزهای هیجانی و دلپذیر انقلاب، دانشجویان در انجمن‌ها و گروههای فکری و سیاسی گوناگون حرکت جدیدی را آغاز کردند. با اینکه برخی جریانهای انحرافی میکوشید بگونه‌ای میان «دانشگاهیان» و «مردم انقلابی» جدائی اندازه‌ند، اما روشن‌بینی‌ها و سابقه‌های مبارزاتی، امکان هر نوع توطئه‌ای را از میان برداشت.

سال پیش که مطلع آزادی دانشگاه بود، یاد شهیدان شانزدهم آفرماه بگونه سپاسداری از حماسه‌های گذشته ارجمندی ویژه یافت.

امسال، که بهارنش با پیام امام خمینی در رابطه با دانشگاهها آغاز گردید، امید آن میرفت که رسالت قهرمانیهای دانشگاه بازشناخته شود.

پیوندهای واحدهای انقلابی با یکدیگر و اتحاد دانشجویان و طلاب، بر غم دسیسه‌های استعمار و حرکت یکپارچه مردم انقلاب را به پیروزی رساند و دستگاه سیاسی وابسته به بیگانه در ایران زمین ویران گردید.

«نقش دانشگاه در هر کشوری ساختن انسان است. مقدرات هر کشوری بدست دانشگاه و آنهاست. بنابر این دستگاه بزرگترین مؤسسه مؤثر در کشورها بوده و بزرگترین مسؤلیت‌ها را هم دانشگاه دارد» امام خمینی

حمله‌های غافلگیرانه به دانشجویان در کوهستانها و بیابانها. اخراج دانشجویان از دانشگاهها - زندانی کردن گروههایی چند از دانشجویان دانشگاههای کشور - انحلال ترم‌های تحصیلی و بر باد دادن نیروهای انسانی جامعه - انحلال دانشکده‌ها و دانشگاهها (بویژه دانشگاه صنعتی که واکنش شدیدی در جامعه بوجود آورد). کشتن دانشجویان در تمام دانشگاههای ایران بخصوص در روزهایی که نظام سلطنتی وابسته به بیگانه واپسین تلاشهای خود را نشان میداد. این کوردهای نادرست ضدانسانی و ضداسلامی نه تنها دانشجویان را به سکوت وادار نمیکرد، بلکه آنان را قاطع‌تر و مصمم‌تر میساخت.

افسوس که ررفای آن پیام تاریخی شناخته نشد و دانشگاهها ومدرسه‌های عالی کشور در زیر سایه سنگین خاموشی‌ها وتاریکی‌ها رفتند.

دریغ که در ایران، در این سرزمین تاریخی، در این مهد فرهنگ، کانونهای دانش، دخمه‌های مردگان بیدانش شده است وهزاران دریغ که این حرکت ضد دانشگاهی بنام «اسلام» انجام میدهند، دین پر ارجی که نخستین پیامش با علم و آموزندگی آغاز شده است. ملت ایران، یادشیدان خود رازنده نگه میدارد وبرپیشانی برجسته تاریخ ثبت خواهد کرد که این غم انگیزترین سالی است که یادشیدان بادرستگی خانه آنان برگزار میشود وبی شک در فردای روشن انقلاب، گناه قراولگران تاریکیها بخشوده نخواهد شد.

یورش به نمازخانه‌ها و مسجدهای دانشگاهها و ضرب و جرح نمازگزاران

